

بهدخت نژاد حقیقی  
دبیر ادبیات منطقه ۱ تهران



# رژوردها با معلم در متون کهن

هزار نکته باریک ترز مویخاست نه هر که سهر برتر شد قلندری داند

نظام آموزشی جدید و دانش آموزان این روزها با نسل‌های قبل تفاوت‌های آشکاری دارند. بسیاری از اصول حاکم بر روابط معلم و متعلم در ادب قدیم نیز به متون عرفانی ما مربوط می‌شوند. نباید فکر کنیم که رابطه معلم و متعلم، همچنان مثل رابطه مراد و مرید در ادبیات عرفانی است! ادب عرفانی ویژگی‌های خاص خود را دارد و رابطه مراد و مرید در آن رابطه مطلوب و طالب است. در حالی که امروزه برای داشتن کلاسی پویا و پربار لازم است هر دو طرف یادگیرنده و یاددهنده با یکدیگر همکاری داشته باشند. اینجا قصد ما نقد اصول روابط میان معلم و متعلم در ادب قدیم نیست، بلکه غنیمت دانستن برخی از آن اصول و ضرورت استفاده از آن‌هاست که گاهی در روزمرگی‌هایمان آن‌ها را از یاد می‌بریم.

نگاهی به برخی آداب متقابل استاد و شاگرد از دیدگاه **عزالدین کاشانی** در «مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه» ما را متوجه ظرایف بسیار می‌کند:

## الف) آداب استاد

۱. شناخت توانایی‌های سالکان؛
۲. رفق و مدارا با سالکانی که توانایی کمتری دارند و در عزم و اراده و مجاهدت ضعیف‌اند؛
۳. دل سپردن به خدای سبحان و یاری جستن از او هنگام سخن گفتن با سالکان و هدایت آنان؛
۴. دوری از تصریح و تعیین عیب‌های سالک و به‌جای آن فهماندن عیوب او با اشاره و کنایه؛
۵. دوری از آشکارسازی اسرار سالک؛
۶. درگذشتن از لغزش‌های سالک در خدمت و ادب‌ورزی نسبت به استاد و تشویق او به ادب و تسلیم و خدمت به استاد؛

رعایت مراحل رشد  
در هنگام تشویق و تنبیه  
بسیار ضروری است.  
در مسئله تنبیه، کرامت و  
شخصیت متعلم نباید آسیب  
ببیند و راه درمان و اصلاح  
رفتار متعلم خاطی باید  
ذکر شود

تربیتی حامیانی چون ویلیام جیمز دارد، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تربیتی است که حول دو محور می‌چرخد: ایجاد عادات مطلوب، برطرف ساختن عادات زشت و نامطلوب.

پرواضح است که این امر مستلزم شناخت و معرفت عمیق معلم از متعلم و اعتقاد داشتن به تأثیرگذاری اجتناب‌ناپذیر و ماندگار معلم بر متعلم است. اما تشویق و تنبیه هر کدام شرایط خاصی دارند. رعایت مراحل رشد در هنگام تشویق و تنبیه بسیار ضروری است. در مسئله تنبیه، کرامت و شخصیت متعلم نباید آسیب ببیند و راه درمان و اصلاح رفتار متعلم خاطی باید ذکر شود.

**مهر و محبت معلم نسبت به دانش‌آموزان؛** که کیمیای این حرفه به نظر می‌رسد، چرا که:

درس معلم ار بود زمزمه محبتی  
جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را  
**احترام به دانش‌آموز و رعایت حریم او؛**

**صداقت و بی‌ریایی معلم؛** که آموزه بسیار ماندگاری برای دانش‌آموز به حساب می‌آید.  
اما متون کهن ما یکطرفه به قاضی نرفته‌اند، بلکه هر جا سخن از معلم بوده، از آداب متعلمی نیز گفته شده است:

#### ب) آداب شاگرد

- عزم و پایداری در ملازمت و همراهی استاد؛
  - دل و جان سپردن به آموزش‌های استاد و پیروی از برنامه‌های او؛
  - گوش سپردن به سخنان استاد؛
  - شناخت زمان سخن گفتن با استاد؛
  - رعایت حد و اندازه خویش در مقام سخن گفتن با استاد.
- «نظریه عادت» که در روان‌شناسی

- نداشتن انتظار بزرگداشت و احترام از سوی شاگرد؛ اگرچه حق این است که چنین باشد؛
- ادای حقوق سالک در همه حال؛
- موافقت رفتار و گفتار.

#### و ویژگی‌های استادی که نباید خود را به او سپرد، چنین است:

- ریاست‌طلب است و این حس را پنهان می‌کند، ولی در پی تحقق بخشیدن به آن است؛
  - حسادت دارد؛
  - برای خودش تبلیغ می‌کند؛
  - روحیه مریدپروری دارد و دیگران را تسلیم محض افکار و اراده خود می‌خواهد. اگر هم انسان بهتری از حیث علمی و عملی بشناسد، دیگران را به او فرامی‌خواند و حتی آن‌ها را از او بازمی‌دارد.
- بدین ترتیب، با وجود نگاه منتقدانه نسبت به آداب تعلیمی سنتی، شرایط استادی سختگیرانه و بسیار دقیق و حکیمانه مطرح شده است. به ویژگی‌های ۳، ۴ و ۷ در «آداب استاد» یک بار دیگر دقت کنید! شاید بتوان این ویژگی‌ها را در سه عنوان کلی امروزی چنین مطرح کرد:

#### منابع

- هاشمیان، سیداحمد. آرای تربیتی غزالی با توجه به زمینه روان‌شناختی آن‌ها. فصل‌نامه تعلیم و تربیت، ش ۳۴.
- رودگر، محمدجواد. استاد و راهنما در عرفان. فصل‌نامه پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، سال دوم، ش ۶.
- رودگر، محمدجواد. رابطه بین مرید و مراد در تراوی نقد. کتاب نقد، ش ۴۷ و ۴۸.